

# ترجمه، توضیحات و تعلیقات مجموعه داستانها "مثل همه عصرها"

## از زویا پیرزاد.

### چکیده

زویا پیرزاد متولد سال ۱۳۳۱ در شهر آبادان، نویسنده‌ای است که داستان هایش به ویژه در میان زنان، خوانندگان زیادی دارد. سه مجموعه داستان با نام «مثل همه عصرها»، «طعم گس خرمالو» و «یک روز مانده به عید پاک» و رمان های «چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم» و «عادت می‌کنیم» از آثار اوست. او در تمامی آثارش، یک نویسنده واقع‌گراست. بسیار ساده و سرراست می‌نویسد و داستان هایش بر جریان خط مستقیم پیش می‌رود. قهرمان های او شخصیت هایی هستند که هر روز آنها را می‌بینیم، با آنها سخن می‌گوییم و یا از کنارشان عبور می‌کنیم. خواننده داستان‌های پیرزاد می‌تواند بدون احساس ملال از خواندن روایت های کاملاً معمولی زندگی، همچنان شوق دنبال کردن روند داستان را در خود احساس کند و این نشان دهنده هنر نویسنده در بیان واقعیت هاست. پیرزاد کوشیده است با تقلید از واقعیت به مخاطب کمک کند که نه تنها واقعیت را بفهمد، بلکه آن را احساس کند. نگارنده از جهات گوناگون به داستان های پیرزاد توجه کرده است، هم به عنوان نمونه‌ای از ادبیات معاصر و هم به عنوان آثار یک نویسنده زن از منظر تسلیم و رضا نیز زنان آثار پیرزاد درجاتی دارند و می‌توان آن‌ها را به گروهایی تقسیم کرد. مثلاً آیا آنان آگاهانه وضعیت موجود خود را پذیرفته اند و سر تسلیم فرود آورده اند؟ یا نا آگاهانه تسلیم شرایط موجود خود شده و صبورانه تحمل می‌کنند.

نگارنده در "ترجمه، توضیحات و تعلیقات مجموعه داستانها" مثل همه عصرها" از زویا پیرزاد سعی دارد که داستان های پیرزاد را به طریق و روش احسن به زبان اردو ترجمه کند و مورد بررسی قرار دهد و اثبات کند که داستان های پیرزاد برای جامعه پاکستان تاثیر گذار زیادی و هم اهمیت فوق العاده دارند. زنان داستان های «مثل همه عصرها» پیرزاد، اغلب زنان تسلیم هستند که در بند روزمرگی ها اسیر و گرفتار شده اند، آن ها موجوداتی مطیع و سر به راهند و باور دارند که برای رنج کشیدن ساخته شده اند و باید بسوزاند و بسازند. زیرا تقدیرشان این گونه بوده است و این باور چنان به آن ها تلقین شده بود که خود حاضر نبودند از حصار آن خارج شوند. در این پژوهش محورهای که به آن پرداخته می‌شود نیز مسائلی چون مرد سالاری، تحقیر زنان، سکوت و سازگاری، محدودیت های ازدواج، تنهایی، عدم تلاش برای تغییر و هویت یابی می‌باشد. زویا پیرزاد با روش توصیفی تحلیلی به آن پرداخته شده است. نگارنده در این پژوهش می‌کوشد تا با بررسی مسائل و موانع زندگی زنان، لزوم رسیدگی به چالش ها و مشکلات و رفع آن ها را برجسته تر و جایگاه و نقش ویژه آن ها را در تفکر و آثار نویسنده آشکار سازد.

واژگان کلیدی: پیرزاد، زنان، داستانها، معاصر، رمان.